دورنـــما

جروزالم پست (سرزمین های اشغالی):

اسرائیل با دو مشکل روبه رو است. کرونا و تشکیل دولت. مردم نگران تبعات اقتصادی کرونا هستند. اما با به توافق نرسیدن نتانیاهو و گانتس در حال حرکت به سمت انتخابات چهارم هستیم که بار اقتصادی زیادی بر دوش مالیات‌دهندگان می گذارد.

کورئا تایمز (کره جنوبی):

هر چند کرونا باعث آسیب زیادی به اقتصاد جهان شد. اما انتظار می‌رود این آسیب خیلی زود برطرف شود. زیرا چین که یکی از مهمترین قطب‌های اقتصادی جهان است، در حال احیای وضعیت اقتصادی آسیب دیده خود است و همین امیدی برای سایرین است.

گاردین (بریتانیا):

اتحادیه اروپا در حال تأسیس انبارهایی از تجهیزات بهداشتی برای اعضای خود است. اما بریتانیا سهمی از آنها ندارد و حتی نتوانسته در مذاکرات مربوط به آن شرکت کند. همین باعث افزایش فشارها بر وزرای بریتانیا و کمبودها در بخش درمان شده است.

خودکامگی آقای رئیس جمهوری مقابل ۷ فرماندار

ایالات نامتحد کرونایی

ندا آکیش
خبرنگار

ساعت ها پس از آنکه دو گروه از فرمانداران ایالت های شرقی و غربی امریکا اعلام کردند، با تشکیل گروه های کاری محلی درصدد تصمیم گیری در این باره هستند که چه زمانی برای کم کردن محدودیت ها، پایان دادن به قرنطینه ها و بازگشایی اقتصادها امن است، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا که خواستار بازگشایی فوری اقتصادها در سراسر ایالات متحده است، در گفت و گوی خبری روزانه اش از کاخ سفید به شدت واکنش نشان داد و خود را قدرت مطلق در امریکا معرفی کرد و گفت، چنین تصمیم گیری هایی را او باید انجام دهد نه فرمانداران.

به گزارش نیویورک تایمز، رویارویی رئیس جمهوری امریکا با فرمانداران ایالت های به شدت آسیب دیده از ویروس کرونا در شرق و غرب امریکا روز دوشنبه به وقت محلی پس از آن آغاز شد که ترامپ در توئیتر از تصمیم خود برای بازگشایی اقتصادها خبر داد و نوشت، اختیار تصمیم گیری درباره پایان دادن به قرنطینه ها و آغاز فعالیت های اقتصادی در امریکا را دارد و فرمانداران نمی توانند در این باره دخالت کنند.

پس از این پیام توئیتری برخی فرمانداران در بیانیه مشترکی اعلام کردند که دو کارگروه تشکیل داده اند و در حال بررسی این موضوع هستند که چه زمانی برای پایان دادن به قرنطینه ها مناسب و ایمن است. چند ساعت پس از این بیانیه ترامپ در گفت و گوی روزانه خبری خود از کاخ سفید مقابل دوربین رسانه ها خود را «قدرت مطلق» نامید و گفت: آنها بدون اجازه رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا هیچ کاری نمی توانند انجام دهند.

ترامپ در پاسخ به این سؤال خبرنگاران که در کجای قانون اساسی امریکا به رئیس جمهور قدرت ممانعت از تصمیم فرمانداران ایالت ها برای ادامه دادن به قرنطینه ها اعطا شده است، بدون اشاره به بند خاصی گفت: در بسیاری از جاهای قانون اساسی.

این پاسخ مبهم ترامپ باعث شد بین او و خبرنگار شبکه سی‌بی‌اس نیوز به مدت چند دقیقه جنگ لفظی دربگیرد و این خبرنگار بدون گوش کردن به فریادهای ترامپ عملکرد ماه فوریه رئیس جمهور را زیر سؤال ببرد.

■ **ترامپ پادشاه نیست**

این سخنان سراسر خشم ترامپ که در واقع نشان می داد فرمانده کل قوای بزرگترین قدرت جهان در مواجهه با یک بحران تا چه اندازه خود را باخته است، نه تنها باعث نشد که فرمانداران ایالت‌ها از مواضع خود کوتاه بیایند بلکه آنها را برای رویارویی با رئیس جمهوری مصمم تر کرد. به گزارش سی ان ان، فرماندار نیویورک در واکنش به سخنان ترامپ گفت، تفسیر او از قدرت اشتباه است، رئیس جمهوری پادشاه نیست. او گفت: ما یک پادشاه نداریم یک رئیس جمهوری منتخب داریم. قانون اساسی صراحتاً می گوید که اختیاراتی که به طور مشخص در فهرست اختیارات دولت فدرال نیامده متعلق به ایالت هاست.

تام وُلف، فرماندار ایالت پنسیلوانیا در پاسخ به ترامپ گفت: همانطور که دیدید ما مسئول تعطیل کردن ایالت ها بودیم و درباره بازگشایی ایالت ها هم فکر می کنم ما مسئول اصلی هستیم. دستور «در خانه ها بمانید» در امریکا ایالت به ایالت و از سوی فرمانداران ایالت ها صادر شد و ترامپ تنها راهکارهای غیرالزام آوری را برای توقف روند زندگی روزانه در سراسر امریکا صادر کرد. تام وُلف و فرمانداران ایالت های کانکتیکات، دِلاوِر، ماساچوست، نیوجرسی، نیویورک و رودآیلَند توافق کردند که کمیته ای با حضور مقامات بهداشت و درمان و اقتصاد تشکیل دهند و درباره بازگشایی ایمن مشاغل و اقتصادها تصمیم گیری کنند.

همچنین فرمانداران کالیفرنیا، اورگان و واشنگتن روز دوشنبه اعلام کردند که به یک راهکار مشترک برای بازگشایی اقتصادهایشان دست یافته اند و نام این راهکار مشترک را «توافق ایالت های غربی» گذاشته اند. آنها در بیانیه مشترکی اعلام کردند: ایالت های ما تنها با کار گروهی جان خواهند گرفت.

گاوین نیوسام، فرماندار ایالت کالیفرنیا هم گفت، روز سه شنبه (دیروز به وقت محلی) از این توافق برای بازگشایی اقتصادها رونمایی می کند و قول می دهد که توافق «علمی» و بر اساس «واقعیت ها» و «شواهد» باشد.

نه به بازگشایی شتابزده مشاغل در شرایطی که شمار مبتلایان به ویروس کرونا در امریکا از رقم ۵۸۷ هزار نفر فراتر رفته و بیش از ۲۳ هزار نفر هم در سراسر ایالات متحده جان باخته اند، بسیاری از فرمانداران ایالت‌های امریکا روز دوشنبه صراحتاً مخالفت خود را با بازگشایی شتابزده بخش های اقتصادی اعلام کرده و گفتند که تا زمانی که کارشناسان نگویند که پایان قرنطینه ایمن است حاضر نیستند به تعطیلی ها خاتمه دهند.

Politico

جینا ریموندو، فرماندار ایالت رودایلند امریکا گفت: واقعیت این است که برای ویروس مرزهای ایالتی اهمیتی ندارد، پاسخ ما هم باید اینگونه باشد که به مرزهای ایالتی اهمیتی ندهیم.

ترامپ در گفت و گوی خبری روز دوشنبه همچنین با عصبانیت بی سابقه ای شروع به دفاع از عملکرد دولت خود در مقابله با همه گیری ویروس کرونا کرد و این مصاحبه را به جلسه دفاع از خود تبدیل کرد. او که متهم است عملکرد بسیار کند و با تأخیری در مواجهه با بحران ویروس کرونا داشته، روز دوشنبه حدود یک ساعت از خود دفاع کرد در حالی که یک روز قبل از این دفاعیه گزارشی به نقل از مقامات بهداشت و درمان دولت واشنگتن منتشر شده بود مبنی بر اینکه این مقامات در اواخر فوریه به ترامپ پیشنهاد اجرای طرح فاصله گذاری اجتماعی را داده بودند اما این پیشنهاد را جدی نگرفته بود و چندین هفته بعد و با یک تأخیر شدید مجوز اجرای چنین طرحی را داده بود.

■ **دفاع سراسر خشم**

ترامپ در دفاع از خود با بیان این مطلب که در اوایل ژانویه تعداد مبتلاها در ایالات متحده بسیار کم بود، با عصبانیت پیشنهادی را که هرگز به او داده نشده بود مسخره کرد و گفت: من باید همان ماه تمام مدرسه ها و مشاغل را تعطیل می کردم.

او در حالی که صدایش از عصبانیت می لرزید، گفت: انتظار داشتید وقتی یک مورد تأیید شده از ابتلا هم در سراسر ایالات متحده وجود نداشت من بزرگترین اقتصاد جهان را تعطیل کنم؟

رئیس جمهوری امریکا در حالی تأخیرهای خود در اعلام وضعیت اضطراری را توجیه می کند که آنتونی فاوچی، متخصص عفونی و مسئول اجرایی کارگروه مبارزه با کرونا در دولت امریکا هم اخیراً در مصاحبه‌ای اعتراف کرد، اگر اقدامات محدودکننده در امریکا زودتر به اجرا گذاشته می‌شد، آمار جانباختگان و مبتلایان کرونا در این کشور کمتر از آمار فعلی می‌شد. رئیس جمهوری امریکا همچنین گفت و گوی خبری روز دوشنبه را به صحنه سخنرانی های تبلیغاتی نمایشی تبدیل کرد و با پخش کردن یک کلیپ ویدئویی گزینشی از خود در حالی که دارد به عنوان فرمانده کل قوا با بحران کرونا مبارزه می کند و مقابل رسانه ها می گوید ویروس «تحت کنترل است»، خواست بهره انتخاباتی لازم را هم ببرد.

این دفاعیات ترامپ در حالی است که نتایج یک نظرسنجی جدید انجام شده از سوی هیل در بازه زمانی ۱۰تا ۱۴ آوریل نشان می دهد که ۵۲ درصد امریکایی ها عملکرد ترامپ در مدیریت بحران را تأیید نمی کنند.

توسعه نامتوازن و درس کرونایی

ادامه از صفحه اول

در هر صورت توسعه نامتوازن نه فقط در سطح جهان و میان کشورها، بلکه در سطوح کشوری و منطقه‌ای نیز، ضرورتی انکارناپذیر است. منظور از توسعه متوازن این نیست که همه جوامع و مناطق برابر باشند، ولی حدی از امکانات برای یک زندگی متعادل در هر منطقه ضروری است. اگر بتوان عوارض توسعه نامتوازن در درون کشورها را از طریق بستن مرزها تا حدی مهار کرد و با جلوگیری از مهاجرت بین‌المللی فقر و نکبت را در داخل کشورهای دیگر محدود کرد، در خصوص توسعه نامتوازن منطقه‌ای درون کشوری این کار را نمی‌توان کرد و در نتیجه مهاجرت و انتقال عوارض توسعه‌نیافتگی ازهر سو به سایر نقاط کشور سرازیر خواهد شد.

پرسش این است که چگونه و با چه معیاری می‌توان توسعه نامتوازن را سنجید و آن را نشان داد. برای این کار معیار مشخصی می‌توان ارائه کرد. تقسیمات کشوری برحسب استان و سپس شهرستان و در سطح کلی‌تر، شهر و روستا در دسترس است. تمامی متغیرهایی که هر سال از طرف مراجع رسمی سنجیده می‌شود برحسب استان و در مواردی برحسب شهرستان و نیز شهر و روستا در دست است. توزیع این شاخص‌ها منجر به سنجش عددی تحت عنوان ضریب نابرابری می‌شود. برای مثال در سطح کل کشور میان شهر و روستا و از گذشته نوعی نابرابری وجود داشت. نابرابری در آموزش، بهداشت، اقتصاد و... در سال‌های پس از انقلاب به نحو چشمگیری، بسیاری از این شاخص‌ها متعادل و شکاف میان شهر و روستا کم شده است. ولی میزان این شاخص را می‌توان برای استان‌های کشور نیز سنجید. بدون شک برخی از استان‌ها و مناطق و درون هر استان، برخی از شهرستان‌ها، وضعیت نامناسب‌تری نسبت به دیگر استان‌ها و شهرستان‌ها دارند. وظیفه برنامه‌ریزی در سطح کلان کشور و نیز در سطح استان کاهش این نابرابری‌ها از طریق افزایش اندازه شاخص‌های مفید برای استان‌ها و مناطق محروم‌تر است. اگر همین یک درس را از کرونا خوب یاد بگیریم، در این صورت کرونا بیش از آنکه منشأ شر و خسارت برای ما باشد، منشأ نیکی خواهد بود.

هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان در گفت و گو با «اشپیگل»:

کرونا، سرمشقی است برای همکاری های بین المللی

زهره صفاری
مترجم

آلمان با بیش از ۱۳۰ هزار مبتلا و مرگ بالای ۳ هزار نفر آمار سنگینی را در مواجهه با بحران شیوع کرونا به ثبت رسانده اما شمار قربانیان این ویروس در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی نشان از مدیریت مناسب و کنترل کارآمد همه گیری «کووید ۱۹» دارد. این حقیقت را «هایکو ماس»، وزیر خارجه ۵۳ ساله این کشور نیز تأیید می کند. وی در گفت و گویی با مجله «اشپیگل» با بررسی ابعاد بحران کرونا و پساکرونا، با نقد از چین و امریکا در مدیریت این همه گیری، این شرایط را فرصتی برای اثبات ظرفیت های اتحادیه اروپا می داند.

***

■ **شما نسبت به وزرای خارجه پیشین آلمان بیشترین آمار سفر به کشورهای دیگر را داشته اید. در شرایط فعلی توقف این سفرها در سیاست خارجه آلمان تأثیر نمی گذارد؟**

حتی در شرایط عادی نیز موفقیت سیاست خارجی با مایل اندازه گیری نمی شود. مهم حس اعتماد و تقابل های فردی است. در حال حاضر نیز جلسات ما با اعضای اتحادیه اروپا برقرار و مانند همین مصاحبه تلفنی یا ویدیو کنفرانس برگزار می شود.

■ **شما در مقاله مشترکی با وزیر دارایی آلمان، کرونا را بزرگ‌ترین چالش تاریخ اتحادیه اروپا معرفی کردید، آیا این بحران می تواند سرنوشت این اتحادیه را تعیین کند؟**

اتحادیه اروپا در گذشته بحران سخت‌تر از این را پشت سر گذاشته است. در جریان بحران اقتصادی، امکانات و تجهیزات جدیدی ساخته شد که ظرفیت های اتحادیه را بالا برد. در این بحران نیز همین هدف را دنبال می کنیم.

■ **چرا معتقدید اروپا در ابتدا نتوانست بحران را هضم کند؟**

ما براساس منطق واحساساتمان، بحران ها را تفسیر می کنیم وهمین تفسیر برزندگی اجتماعی و اقتصادی مان تأثیر می گذارد. همین موضوع نیز چنین شرایطی را برای اروپایی ها ایجاد کرد. یکی از اولین اقدامات آلمان، ممنوعیت صادرات وسایل بهداشتی محافظتی حتی به کشورهای اروپایی بود. به عقیده من هر یک از اعضا ابتدا باید در سطح ملی شان خوب عمل کنند. درست مانند مسافران یک هواپیما که در مواقع خطر هر کس باید اول ماسک خودش را بزند و بعد به دیگران کمک کند. روش ما کاملاً صحیح بود.

■ **اما این رفتار آن هم در شرایطی که ایتالیایی ها به شدت نیازمند کمک بودند، آلمان ها را به خودخواهی متهم کرد.**

ایتالیایی ها پیش از این نیز درگیر بحران سختی به نام مهاجرت بودند اما این بار ما کمک شان کردیم و محموله ۷ تنی کمک هایمان را با هواپیمایی جنگی برایشان ارسال کردیم، بیمارانشان را پذیرش کردیم و نشان دادیم که در کنار ایتالیا هستیم. تلفات ایتالیا غیرقابل تصور بود و ما در حد توانمان کمک کردیم و این شرایط ادامه دارد اما در حال حاضر ما باید چاره ای برای بحران اقتصادی پساکرونا ایتالیا پیدا کنیم.

■ **ایتالیا، فرانسه و اسپانیا برای کاستن آثار این بحران خواستار دریافت وام به صورت بدهی مشترک شدند، چرا آلمان این درخواست را وتو کرد؟**

Spiegel

آلمان تنها تصمیم گیرنده نیست بلکه دولت های دیگر نیز هستند.

در بحران فعلی ما باید به سرعت به اجماع برسیم. من و وزیر دارایی پیشنهاد یک بسته کامل حمایتی (سرمایه گذاری، وام و تخصیص بودجه اتحادیه اروپا) را کردیم. از سوی دیگر اما در نشست وزرای خارجه نیز مسائل مهمی به بحث گذاشته شد. اما در حال حاضر آنچه مهم است اینکه جنوب اروپا نیازمند کمک فوری و مؤثر است.

■ **به نظر می رسد آلمان در مواجهه با بحران کرونا بسیار خوب عمل کرده؛ گواه این امر هم میزان پایین تلفات و تجهیزات کامل کشور است. در این شرایط چرا همچنان در برابر بحث بدهی مشترک به دیگر اروپایی ها مقاومت می کند؟**

نمی توان با اطمینان از تداوم این شرایط تا پایان کرونا صحبت کرد. اگر برای آن آماده نباشیم، نابود می شویم. تخصیص بودجه ۵۰۰ میلیارد یورویی تاکنون بی سابقه بوده است. بدون شک بحران بعدی طولانی تر از مقابله با ویروس است. ما فرصت های زیادی برای اثبات انسجام اتحادیه داریم.

■ **کرونا تبدیل به تهدیدی ژئوپلیتیکی برای اتحادیه اروپا شده است. رئیس جمهوری صربستان، شرایط اروپا را به داستانی علمی تخیلی تشبیه کرده و در حال حاضر چین تنها کشوری است که کمک واقعی انجام داده است. چطور می توان این منفی بافی ها را کنترل کرد...**

قضاوت دیگران انعکاس حرف های خودمان است. اگر مثل گذشته بروکسل را به خاطر هر چیز سرزنش کنیم این منفی بافی ها هرگز تمام نمی شود.

در حال حاضر باید از بحران کرونا به عنوان فرصتی برای اثبات ارزش های اتحادیه اروپا بهره بگیریم. در عین حال باید ظرفیت ها را هم در نظر داشته باشیم. اما نباید فراموش کرد که هر اقدامی نمی تواند مؤثر باشد.

البته برای نجات جان انسان ها باید از هر کمکی استقبال کرد و به همین دلیل نیز کمک های چین و کشورهای دیگر برای ما بسیار مثمرثمر خواهد بود. اما اگر کشورها از این راه بخواهند تصویر جدیدی از خود در جهان بسازند بدون شک باید مانع آن شویم.

■ **بسیاری کرونا را عرصه رقابت چین و امریکا دانسته اند؛ کدامیک پیروز میدان خواهند بود؟**

هیچ کدام. چین در مواجهه با این ویروس بسیار سختگیرانه عمل کرد و امریکا زمان زیادی آن را نادیده گرفت.

دو روش کاملاً متفاوت که هیچ کدام نمی تواند الگویی برای اروپا باشد. اقدامات اروپا شامل قرنطینه، محدودیت های ارتباطی و ... نشان داد که هر حکومت لیبرال دموکراتی نیز می تواند در مواقع ضرورت، شرایط سختگیرانه را پیش گیرد.

■ **کرونا از معدود بحران هایی است که امریکا در آن نقش پیشرو را ایفا نمی کند، آیا می توان این را نشانه ای بر تغییر هژمونی قدرت در جهان دانست؟**

این تغییر قدرت جدید نیست. نه فقط برای امریکا که هر کشور دموکرات غربی نیز باید این باور را داشته باشد.

این بحران، اهمیت همکاری های بین المللی را نشان داد. اهمیت سازمان های بزرگ جهانی.... این تنها راه نجات ما است.

خاطرات نجات یافته

بازگشت به خانه

گروه جهان/ «کارن مانرینگ»، زن ۳۹ ساله باردار، ساکن منطقه «هرن بِی» در شهر «کنت» انگلیس در دومین هفته ماه مارس دچار سرفه‌های مداوم و تب شد اما کادر بیمارستانی نمی‌توانست تصمیم‌گیری کند که او را در بیمارستان درمان کند یا در قرنطینه خانگی.

او که مادر سه فرزند است برای فرزند چهارمش ۶ ماهه حامله بود و بالاخره در یازدهمین روز بیماری‌اش هیچ راهی جز انتقال او به بیمارستان باقی نماند. کارن آن روزهای سخت را به یاد می‌آورد و می‌گوید: «تنفسم بسیار بد شده بود. با ۹۹۹ تماس گرفتم. چند دقیقه بعد آمبولانس مقابل خانه‌مان بود.

به شدت دچار تنگی نفس شده بودم. بلافاصله مرا به دستگاه تنفس مصنوعی رساندند و اکسیژن‌رسانی کردند.» در بیمارستان از کارن تست کرونا گرفته شد. تست مثبت بود و او به کووید ۱۹ مبتلا شده بود.

هر دو ریه‌اش به شدت آسیب دیده بود و یک هفته کامل در بیمارستان در یک اتاق ایزوله نگهداری شد. «هیچ‌کس اجازه نداشت به ملاقات من بیاید.

زمان‌های بسیار تاریکی بود و به شدت احساس تنهایی می‌کردم. دو یا سه روز تمام نتوانسته بودم حتی از تخت بیمارستان پایین بیایم. حتی نمی‌توانستم به توالت بروم. وقتی می‌خواستند ملحفه‌های تخت را عوض کنند مجبور می‌شدند مرا روی تخت بچرخانند.

وقتی دچار تنگی نفس می‌شدم باید زنگ را فشار می‌دادم و مجبور بودم منتظر بمانم تا کادر درمان لباس‌ها و تجهیزات حفاظتی خود را بپوشند و بعد به داد من برسند. برای اینکه آرام شوم مدام با خانواده‌ام تلفنی صحبت می‌کردم. من می‌ترسیدم و داشتم خودم را برای مرگ آماده می‌کردم.

خانواده‌ام هم می‌گفتند که برای وقوع بدترین اتفاق آماده‌اند. من برای هر تک نفسی که می‌کشیدم می‌جنگیدم. برای خودم و برای بچه‌ای که در شکم داشتم می‌جنگیدم.»

کارن می گوید هرگز حس هوای سرد و خشکی را که به صورتش خورد در روزی که بیمارستان را ترک می‌کرد فراموش نخواهد کرد. «من و همسرم با ماسک‌هایی که بر صورت داشتیم با ماشین به سمت خانه حرکت کردیم و در تمام طول مسیر شیشه‌های ماشین پایین بود. بادی که به صورتم می‌خورد دلچسب بود. ناگهان برای کوچک‌ترین چیزهایی که داشتم شروع به شکرگزاری کردم.»

کارن حالا در خانه خودش را قرنطینه کرده و در اتاقی دور از تمام اعضای خانواده استراحت می‌کند. او هنوز سرفه‌های خشک دارد و ممکن است تا ماه‌ها بعد سرفه‌ها ادامه یابد اما او دارد هر روز قوی‌تر می شود.

او که تا قبل از بیماری در یک سالن زیبایی کار می‌کرد، فکر می‌کند ویروس کرونا را در همان سالن زیبایی گرفته است، اما او هرگز به طور قطع نخواهد فهمید که چگونه مبتلا به کووید ۱۹ شد.

او همچنین هرگز نخواهد فهمید که چگونه خانواده‌اش به ویروس آلوده نشدند.

انتظار بیشتر از دولت به مثابه غفلت از محدودیت‌های حکومت

ادامه از صفحه اول

این اقدام اگرچه تنها راه خلاصی از شر این بیماری تلقی شد اما با توجه به هزینه های سنگین اقتصادی و غیراقتصادی آن، دولت ها با فواصل زمانی به این شیوه پیشگیری تن دادند. اما با گذشت زمان و مشخص شدن اجتناب ناپذیر بودن اعلام قرنطینه، دولت ها به فکر برنامه ریزی برای کاهش تبعات توقف فعالیت‌های اقتصادی افتادند. کشورهایی که از بنیه مالی قوی برخوردار بودند به سرعت وارد عمل شده و ارقام خیره کننده ای را برای مهار تبعات اقتصادی قرنطینه به اقتصاد (بخش تولید و بخش مصرف) تزریق کردند.

شرایط اقتصادی ایران اما به هیچ کشوری شبیه نیست. دولت به دلایل عمدتاً مالی و لجستیکی ابتدا از قرنطینه سراسری اجتناب کرد اما به منظور حفظ سلامت مردم و پیشگیری از گسترش بیماری، به تدریج توقف بسیاری از فعالیت های اقتصادی را اعلام نمود. دولت و البته کل حاکمیت، به دو دلیل توان محدودی در انجام اقدامات حمایتی همچون برخی کشورها، دارند: ۱. محدودیت شدید مالی؛ و ۲. محدودیت لجستیکی، اداری و اجرایی.

تحمیل تحریم های بی سابقه از ابتدای سال ۹۷ تقریباً تمامی منابع درآمدی کشور را مسدود کرد به طوری که رکود و تورمی شدید بر فعالیت های اقتصادی کشور طی دو سال گذشته حاکم شد. دولت حتی پیش از ورود این ویروس ناخوانده به کشور، منابع کافی برای تأمین درآمدهای بودجه ۱۳۹۹ را نداشت چه رسد به آنکه برای بحرانی غیرمنتظره بتواند منابع جدید پیدا کند. معمولاً برای تأمین مالی اینگونه بحران های پیش بینی نشده، سه راه پیش روی دولت ها قرار دارد: استقراض از بانک مرکزی، استقراض از خارج، و استقراض از مردم. البته در مورد ایران، راه چهارمی وجود دارد و آن برداشت از صندوق توسعه ملی است. با توجه به شدت تحریم ها و فشار امریکا بر نهادهای پولی و مالی جهان، امکان اخذ وام از خارج نیز نشدنی است و همانگونه که انتظار می رفت، بانک جهانی با درخواست وام ایران مخالفت نمود. با توجه به ناتوانی اقتصادی مردم که طی سه دهه گذشته روز به روز بیشتر شده، انتشار اوراق مشارکت (استقراض از مردم) نیز به احتمال زیاد منابع قابل توجهی در اختیار دولت نخواهد گذاشت. با این وصف، استقراض از بانک مرکزی و برداشت از صندوق توسعه ملی تنها امکان تأمین مالی پیش روی دولت بود. اگر چه استقراض از بانک مرکزی بالقوه آثار تورمی می تواند داشته باشد اما در شرایط فعلی که بسیاری از واحدهای اقتصادی دچار رکود و مازاد احتمالی تولید هستند، تزریق نقدینگی با توسل به بانک مرکزی آثار تورمی جدی ای نمی تواند داشته باشد مشروط بر آنکه نقدینگی تزریق شده به سمت تولید هدایت شود.

دولت اما با محدودیت دیگری نیز مواجه است. سال هاست که سیستم انتصاب تصمیم گیران، مدیران و مسئولان اجرایی و نیز گزینش کارکنان در تمامی مراکز و نهادهای اجرایی و تصمیم گیری، نه براساس شایستگی که براساس روابط حزبی، سیاسی، مذهبی، قومی و فامیلی صورت می گیرد. این شیوه تجهیز نیروهای انسانی بخش های حکومتی، ساختار اداری، اجرایی و بوروکراتیک به شدت ناکارآمدی برکشور تحمیل کرده به طوری که بسیاری از امور، پرهزینه و با بهره وری پایین صورت می گیرند. در این مدت، درآمدهای نفتی به عنوان پوششی بر این ناکارآمدی ها عمل کرده است. توقف کسب درآمدهای نفتی اما، این ناکارآمدی را عریان تر کرده است. این ناکارآمدی اکنون مانع از آن خواهد شد که دولت بتواند به نحو مطلوب تبعات اقتصادی بحران کرونا را مدیریت کند حتی اگر منابع درآمدی کافی در اختیار می داشت، چه رسد به اکنون که از این منابع نیز محروم است.

بنابراین، و با توجه به محدودیت های پیش گفته، توان مالی، لجستیکی و اجرایی دولت برای حمایت اقتصادی از گروه های آسیب دیده از این بحران، همین است که تا کنون اعلام و اعمال کرده و بیش از این توقع داشتن از دولت، نشان از غفلت از محدودیت های حکومت است و نکته آخر آنکه، تعدادی از اقتصاددانان به حسب وظیف، چه به صورت جمعی و یا انفرادی در رسانه ها راه‌حل‌هایی را ارائه و پیشنهاد داده‌اند که با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور امکان ناپذیر، و اغلب این راه حل ها، در تمامی برنامه های توسعه یا بودجه های پیشین تکرار شده و غیرقابل انجام بودن آنها در ساختار فعلی تأیید شده است. اقتصاددانان حتماً می دانند که نسخه های پیشنهادی شان، یا باید براساس واقعیات موجود باشد یا در دل توصیه های خود روش‌هایی برای تغییر این واقعیات ارائه کنند تا پیشنهاداتشان در آن بستر قابل اعمال باشد در غیراینصورت نسخه هایشان تنها زینت بخش صفحات روزنامه ها و رسانه های مجازی خواهد ماند.